



امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد، حج و اوقاف
ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و تقرير و بيان
 تحرير شده كه به تمام خطباء مركز و ولايات
 به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۶ / ربيع الاول / ۱۴۴۷ هـ، ق موافق ۲۸ / سنبله / ۱۴۰۴ هـ، ش

بخاطر تنگ دلی های زندگی در دنیا، دست زدن به خود کشی گناهی
نهایت سنگین است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الذي خلق فسوى، والذي قدر فهدى، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الأسماء الحسنى، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله بعثه بالدين والهدى وكلمة التقوى، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليما كثيرا في الآخرة والأولى، أما بعد:

قال الله سبحانه وتعالى: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا* وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا ظَلَمًا فَنُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) [النساء: ۳۰-۲۹]

حضار محترم وشنودگان گرامی!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

انسان ها از طرف خداوند جل جلاله آزمایش می شوند، برخی با نعمت ها آزمایش می شوند و برخی با سختی ها و مشکلات گوناگون دنیوی مورد امتحان قرار می گیرند. بعضی انسان ها چنین هستند که همیشه در راحتی به سر می برند، روزی شان گسترده است، فرزندان دارند، باغ ها دارند، تجارت دارند و زندگی شان با خوشی و آسودگی در جریان است. اما برخی دیگر از زندگی دنیوی در تنگنا هستند، وضعیت اقتصادی شان خراب است، هر کاری که شروع می کنند نتیجه درستی نمی دهد، یا از نعمت فرزند محروم هستند، یا به بیماری گرفتار می شوند، یا زیر ظلم دیگران قرار می گیرند، یا بستگان شان فوت کرده اند و به سبب آن غمگین اند. این هر دو حالت از طرف خداوند جل جلاله است و انسان در هر دو حالت امتحان می شود. انسان سرمایه دار و ثروتمند با نعمت ها آزمایش می شود که آیا شکر نعمت های خداوند را به جا می آورد یا نه؟ و انسان فقیر و نادار که از مشکلات زندگی به ستوه آمده است، خداوند او را با فقر و مشکلات دیگر امتحان می کند و خداوند می فرماید: من می بینم که آیا بنده ام در سختی ها و مشکلات صبر می کند یا بی صبری؟ چنانکه خداوند جل جلاله فرموده است: (وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ) [الانبیاء: (۳۵)] ترجمه:- و شمارا بخاطر امتحان به سختی و آسایش آزمایش میکنیم و به سوی ما بازگردانیده میشوید.

کسانی که به خاطر تنگی زندگی دنیوی دست به خودکشی می‌زنند، در حقیقت چنین کسانی در امتحان خداوند تعالی ناکام شده‌اند.

بر مسلمان لازم است که از رحمت خداوند تعالی ناامید نشود و زندگی را با امید سپری کند و راه کسانی را در پیش نگیرد که به خداوند تعالی ایمان ندارند و از رحمت و مهربانی خداوند ناامید هستند. خداوند تعالی فرموده است: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) العنکبوت: (۲۳)

ترجمه: و آنان که به آیات الله و لقاء او کفر ورزیدند ایشان از رحمت من ناامید شده‌اند و آن گروه برای شان عذاب دردناک است. مسلمان نباید همچون کسانی باشد که وقتی نعمت‌های خداوند به آنان می‌رسد، خوشحال می‌شوند و چون مصیبتی از جانب خداوند به آنان می‌رسد، ناامید می‌گردند، چنانکه خداوند جل جلاله فرموده است: (وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ). الروم: (۳۶)

ترجمه:- و چون به مردم رحمت نعمت و عافیت بچشانیم به آن خوش میشوند و اگر رنج و سختی بخاطر کارهایی که کرده‌اند به آنان برسد ناگهان آنها مأیوس و ناامید میشوند.

مسلمان کامل کسی است که در نعمت‌های خداوند شکرگزاری کند و در سختی‌ها و امتحانات خداوند صبر داشته باشد و خود را به تقدیر خداوند بسپارد و با امید به آینده روشن شب و روز را سپری کند.

مسلمان باید از پیامبر خود حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیروی نماید و او را الگو قرار دهد. هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سختی‌ای می‌رسید، به نماز بیشتر توجه می‌کرد. عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ : كَانَ النَّبِيُّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ صَلَّى. سنن أبی داود- (۵۰۷/۱)

ترجمه:- حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین عادت داشت که هرگاه کار سختی برایش پیش می‌آمد، نماز می‌خواند.

عموماً دست زدن به خودکشی یا به سبب فقر به وجود می‌آید، یا در اثر جنگ و نفاق در خانواده، یا به سبب زیان در کار و کسب، گاهی به سبب غم و اندوه، گاهی به سبب نرسیدن به آرزوها، گاهی به سبب بیماری، و گاهی به سبب بی‌صبری و خشم. همچنین دست زدن به خودکشی به شکل‌های گوناگون انجام می‌گیرد، مانند: با سلاح بُرنده خود را کشتن، با تفنگ یا تپانچه شلیک کردن، خود را حلق آویز و خفه کردن، از کوه و صخره به پایین افکندن، خود را در دریا و رودخانه انداختن، با مواد سمی خود را کشتن، خود را به آتش کشیدن.

به هر حال، خودکشی به دلیل تنگی و سختی زندگی دنیوی، گناه بسیار بزرگی است.

از دیدگاه شریعت اسلامی، خودکشی عمل حرام و گناهی بزرگ است. علما می‌گویند که گناه خودکشی از گناه کشتن دیگری بزرگ‌تر است. الدر المختار (۲/۲۲۹)، الفتاوی الهندیة (۵/۳۶۱)

درباره خودکشی به دلیل سختی‌های دنیوی، خداوند تعالی می‌فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) [النساء: ۲۹-۳۰]

ترجمه:- و خود را نکشید بی گمان الله بر شما همیشه مهربان است. و هر که با تجاوز و ظلم چنین کند، پس به زودی او را در آتش سوزان داخل میکنیم و این کار بر الله آسان است.

وجه استدلال: امام قرطبی رحمه الله می فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ) یعنی خود را در حالت ناراحتی و خشم نکشید. احکام القرآن للقرطبی (۱۵۷/۵).

امام جصاص رحمه الله در تفسیر این آیه نوشته است: یکدیگر را نکشید، یا این که خود را نکشید. همه این معانی می تواند از آیه اراده شده باشد، زیرا لفظ آیه احتمال همه این معانی را در بر دارد. احکام القرآن للجصاص (۱۴۱/۳)

علامه ابن عاشور می گوید: در این آیه از خودکشی نهی شده است، زیرا خداوند تعالی به انسان اجازه نداده است که جان خود را تلف کند. التحرير والتنوير - الطبعة التونسية (۲۵/۵)

علامه سید قطب رحمه الله می گوید: خودکشی حرام است، زیرا اسلام دین زندگی و سلامتی است. پس بعد از شرک، بزرگ ترین گناه کشتن نفس است. مالک حیات و زندگی خداوند تعالی است و بنده مالک جان خود نیست، بنابراین هیچ کس حق ندارد زندگی خود را از بین ببرد. في ظلال القرآن - موافقا للمطبوع (۲۲۲۴/۴)

در آیه ای دیگر خداوند تعالی می فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) (الأنعام: ۱۵۱)

ترجمه:- و کسی را که الله کشتن او را حرام کرده است مگر به حق مکشید.

وجه استدلال: علمای لغت می گویند: واژه (نفس) بر معانی گوناگون اطلاق می شود، یکی از اطلاقات آن بر روح است. مانند آن که عرب می گوید: خرجت نفسي، أي روحه. یعنی جان من بیرون رفت. بصائر ذوی التمییز، للفیروز آبادی (ص: ۱۴۹۹)

در جسم هر مسلمان روحی است که مخلوق خداوند تعالی است و هیچ کس اجازه ندارد آن را بکشد یا بر آن تعدی کند.

امام ماوردی رحمه الله نوشته است: (والنفوس المحرمة: نفس مسلم، أو معاهد، والحق الذي تقتل به النفس ما بينه النبي صلى الله عليه وسلم) بقوله: (لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَحَدٍ ثَلَاثٍ: كُفْرٌ بَعْدَ إِيْمَانٍ، أَوْ زَنَى بَعْدَ إِحْصَانٍ، أَوْ قَتَلَ نَفْسٍ بِغَيْرِ نَفْسٍ) النكت والعيون - موافق للمطبوع (۱۸۶/۲)

ترجمه:- محرم بودن نفس ها بر دو قسم است: یکی نفس مسلمان و دیگری نفس معاهد. و آن حقی که به سبب آن کشتن نفس جایز است، در این حدیث شریف ذکر شده است: خون مسلمان جز به سه سبب روا نیست: کفر بعد از ایمان، یا زنا بعد از احصان، یا کشتن نفسی در برابر نفسی دیگر. همچنین خداوند تعالی از کشتن نفس بی گناه نهی کرده است، چه آن نفس خود انسان باشد و چه دیگری. خداوند جل جلاله می فرماید که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خود را نکشید: (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ) [البقرة: ۸۴]

ترجمه:- و بیاد آور شوید هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون یک دیگر را نریزید.

وجه استدلال: امام ابوحنیف در تفسیر این آیه {لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ} می نویسد: شما به خاطر سختی و مشقتی که به شما می رسد، خود را نکشید. تفسیر البحر المحیط (۲۴۸/۱)

همچنین خودکشی به دلیل سختی های دنیوی در حقیقت همان هلاک کردن خود است و خداوند تعالی از هر کاری که سبب هلاکت نفس شود نهی کرده است. الله تعالی در آیه دیگری می فرماید: (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) البقرة: ۱۹۵

ترجمه:- و خود را با دستهایتان به وسیله (بخل) در هلاکت میندازید و نیکی کنید زیرا الله نیکی کنندگان را دوست میدارد.

وجه استدلال: علامه آلوسی در تفسیر این آیه نوشته است: (وَأُستدل بالآية على تحريم الإقدام على ما يخاف منه تلف النفس). روح المعاني (۷۸/۲)

ترجمه:- و از این آیه بر حرمت اقدام به کاری که در آن بیم نابودی جان وجود داشته باشد، استدلال می شود. فقهاء در مصادیق این آیه نوشته اند که اگر کسی خود را از خوردن و آشامیدن بدون هیچ هدف شرعی باز دارد تا جایی که بمیرد، چنین شخص گناهکار بسیار بزرگی است؛ زیرا او نفس خود را عمداً هلاک کرده است. امام سرخسی رحمه الله نوشته است: (ومن امتنع من الأكل والشرب والاستكنان حتى مات وجب عليه دخول النار لأنه قتل نفسه قصداً فكأنه قتلها بحديدة) الكسب (ص: ۷۸)

ترجمه:- و هر که خود را از خوراک و نوشیدنی و اقامت در خانه منع کند تا آن که بمیرد، بر او واجب است ورود به جهنم، زیرا که خود عمداً جان خود را کشته است؛ پس مانند آن است که آن را با وسیله ای آهنین کشته باشد.

همچنین دست زدن به خودکشی نوعی کیفر است که خداوند متعال آن را بر بنی اسرائیل به سبب پرستش گوساله مقرر کرده بود؛ پس کسی که به خودکشی دست می زند در واقع خود را به مجازات می رساند. خداوند تعالی می فرماید: {وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ] البقرة: ۵۴}

ترجمه:- هنگامیکه موسی به قومش گفت ای قوم من شما با پرستش گوساله به خود ظلم کردید پس به درگاه خالق تان توبه کنید با اینطور که خودتان را بکشید این نزد خالقان برایتان بهتر است.

همان گونه که در قرآن کریم از دست زدن به خودکشی به خاطر تنگدستی دنیوی نهی شده و این عمل گناه شدید شمرده شده است، به همان ترتیب در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم نیز از اقدام به خودکشی نهی آمده و این عمل به عنوان گناهی بزرگ مطرح شده است.

در یکی از احادیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ فَقَتَلَ نَفْسَهُ فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَتَرَدَّى فِيهِ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ تَحَسَّى سُمًّا فَقَتَلَ نَفْسَهُ فَسُمُّهُ فِي يَدِهِ يَتَحَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يَجَأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا». صحيح البخاري ت (۴۳۹/۱۴)

ترجمه:- ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم نقل می کند که فرمود: «هر که خود را از کوهی پایین باندازد و خود را بکشد، در آتش جهنم است که در آتش جهنم می افتد و برمیخیزد جاودانه خواهد بود؛ و هر که سم بنوشد و بدین وسیله خود را بکشد، سمش در دست او خواهد بود و آن را خواهد چشید، در آتش جهنم جاودانه؛ و هر که با وسیله آهنین خود را بکشد، آن آهن در دست او خواهد بود و با آن در شکمش خواهد کوفت در آتش جهنم، جاودانه.»

امام قرطبی رحمه الله در شرح این حدیث گفته است که کسانی که خود را به قتل رسانده اند، مدتی طولانی در جهنم خواهند بود و هنگامی که اهل توحید از جهنم نجات یابند، آنها آخرین کسانی خواهند بود که از جهنم خارج می شوند. المفهم لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم (۲۳۷/۱)

در حدیث دیگری آمده است که هر کس خود را به وسیله‌ای در دنیا بکشد، در روز قیامت به همان وسیله عقاب خواهد شد: عَنْ ثَابِتِ بْنِ الصَّحَّاکِ ... حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَلَفَ عَلَى مِلَّةٍ غَيْرِ الْإِسْلَامِ فَهُوَ كَمَا قَالَ وَلَيْسَ عَلَى ابْنِ آدَمَ نَذْرٌ فِيمَا لَا يَمْلِكُ وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَّبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». صحیح البخاری (۲۴۶/۱۵)، صحیح مسلم (۷۳/۱) ترجمه: - ثابت بن ضحاک (از صحابه بیعة الرضوان) روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «هر که بر آیینی غیر از اسلام قسم بخورد همان گونه است که گفته شد؛ و بر انسان نسبت به نذری که در اختیار او نیست گناهی نیست؛ و هر که خود را به چیزی در دنیا بکشد، به همان چیز در روز قیامت عذاب می‌شود.»

رو آوردن به خودکشی به خاطر سختی‌ها عمل اهل کفر و اهل جهنم است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ شَهِدْنَا خَبِيرَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «لِرَجُلٍ مِمَّنْ مَعَهُ يَدْعِي الْإِسْلَامَ هَذَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ ... فَقَالَ قُمْ يَا فُلَانُ فَأَذْنُ أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مُؤْمِنٌ إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدُ الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ». صحیح البخاری ت (۴۵۶/۱۶)

ترجمه: - ابوهریره رضی الله عنه میگوید: ما در خَبِير بودیم که رسول خدا فرمود درباره مردی که همراه او بود و ادعای اسلام می‌کرد: «این از اهل آتش است.» وقتی جنگ درگرفت آن مرد سخت جنگید تا زخم‌هایش بسیار شد و کم بود بعضی‌ها در نیت او شک کنند. چون درد زخم افزون شد، به کمانش دست برد و از آن تیر بیرون کشید و با آن خود را از پای درآورد و خود را کشت. مردان مسلمان با تعجب نزد پیامبر آمدند و گفتند: «یا رسول الله! حدیث تو حق شد؛ فلان مرد خودکشی کرد و جان خود را گرفت.» پیامبر فرمود: «بلند شو ای فلان! اعلان کن که جز مؤمن وارد بهشت نمی‌شود؛ همانا خدا دین را به وسیله مرد فاجر نیز یاری می‌دهد.»

برای هر انسان، مرگ زمانی معین در دنیا مقدر شده است؛ و هنگامی که وقت اجل برسد، انسان با خوشی و اطمینان روح خود را به خالقش تسلیم می‌کند. اما کسی که به سبب تنگدستی دنیوی دست به خودکشی می‌زند، می‌خواهد قبل از وقت معین اجل، خود را بکشد و با شتاب در مرگ خود پیشی گیرد - این عمل مخالف سنن الهی است. در حدیثی شریف می‌خوانیم: عَنْ جُنْدَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَانَ فَيَمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جُرْحٌ فَجَزَعَهُ، فَأَخَذَ سِكِّينًا فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ فَمَا رَقَّ الدَّمُ حَتَّى مَاتَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى بَادِرْنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». صحیح البخاری ت (۵۶۹/۸)

ترجمه: - جُنْدَب بن عبدالله (رضی الله عنه) نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «از میان قوم پیش از شما مردی زخمی شد و مضطرب گشت؛ پس چاقویی گرفت و دست خود را برید و خون بند توقف نکرد تا مرد. الله عزوجل فرمود: بنده‌ام پیش از آن که من او را بگیرم، خود را هلاک کرد؛ پس بر او ورود به بهشت حرام گردید.»

پیامبر علیه السلام بر چنین شخصی که به خاطر تنگی از زندگی دنیوی، اقدام به خودکشی کرده است، نماز جنازه نخواند و از این کار امتناع ورزید؛ که در این موضوع زجر و هشدار بزرگی نهفته است.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ مَرَضَ رَجُلٌ فَصَبَّحَ عَلَيْهِ فَجَاءَ جَارُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ قَدْ مَاتَ. قَالَ «وَمَا يُدْرِيكَ». قَالَ أَنَا رَأَيْتُهُ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «إِنَّهُ لَمْ يَمُتْ». قَالَ فَرَجَعَ فَصَبَّحَ عَلَيْهِ فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ إِنَّهُ قَدْ مَاتَ. فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - «إِنَّهُ لَمْ يَمُتْ». فَرَجَعَ فَصَبَّحَ عَلَيْهِ فَقَالَتْ امْرَأَتُهُ انْطَلِقْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَخْبِرْهُ. فَقَالَ الرَّجُلُ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُ. قَالَ ثُمَّ انْطَلَقَ الرَّجُلُ فَرَأَاهُ قَدْ نَحَرَ نَفْسَهُ بِمِشْقَصٍ مَعَهُ فَانْطَلَقَ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ قَدْ مَاتَ فَقَالَ «مَا يُدْرِيكَ». قَالَ رَأَيْتُهُ يَنْحَرُ نَفْسَهُ بِمِشْقَصٍ مَعَهُ. قَالَ «أَنْتَ رَأَيْتُهُ». قَالَ نَعَمْ. قَالَ «إِذَا لَا أَصْلَى عَلَيْهِ». سنن أبی داود - (۱۸۰ / ۳)

ترجمه:- جابر بن سَمْرَه -رضی الله عنه- می فرماید: مردی بیمار شد و در خانه اش صدای گریه و فریاد بلند شد؛ همسایه اش نزد رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- آمد و عرض کرد: او مرده است. رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- فرمود: از کجا دانستی؟ گفت: من او را دیدم که مرده است (یعنی اهل خانه بر او گریه می کردند همچون مرده). پیامبر علیه السلام فرمود: او نمرده است. آن مرد برگشت. بار دیگر صدای گریه از خانه بلند شد. همسایه دوباره نزد پیامبر علیه السلام آمد و گفت: او مرده است. پیامبر فرمود: او نمرده است. مرد بازگشت، دوباره صدای گریه بلند شد. همسرش به او گفت: نزد رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- برو و او را از مرگ بیمار خبر ده. مرد گفت: خدا لعنتش کند. راوی می گوید: همسایه به سوی بیمار رفت، دید آن بیمار با تیغ تیز (مشقص) که همراه داشت، خود را سربرید. پس نزد پیامبر -صلی الله علیه و سلم- آمد و گفت: او مرد. پیامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمود: از کجا دانستی؟ گفت: من دیدم که با آن تیغ (مشقص) خودش را سربرید. پیامبر فرمود: آیا تو او را دیدی؟ گفت: بله، دیدم که خودش را کشت. پس پیامبر -صلی الله علیه و سلم- فرمود: اکنون دیگر من بر او نماز نمی خوانم. هر کس به خاطر تنگی زندگی دنیوی اقدام به خودکشی کند و عضوی از بدن خویش را مجروح یا قطع نماید، در روز قیامت علاوه بر سایر عذاب ها، همان عضو او همچنان ناقص و بریده شده خواهد بود.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرٍ أَنَّ الطُّفَيْلَ بْنَ عَمْرٍو الدَّوْسِيَّ أَتَى النَّبِيَّ -صلی الله علیه و سلم- فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لَكَ فِي حِصْنٍ حَصِينٍ وَمَنْعَةٍ - قَالَ حِصْنٌ كَانَ لِدَوْسٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ - فَأَبَى ذَلِكَ النَّبِيُّ -صلی الله علیه و سلم- لِلَّذِي ذَخَرَ اللَّهُ لِلْأَنْصَارِ فَلَمَّا هَاجَرَ النَّبِيُّ -صلی الله علیه و سلم- إِلَى الْمَدِينَةِ هَاجَرَ إِلَيْهِ الطُّفَيْلُ بْنُ عَمْرٍو وَهَاجَرَ مَعَهُ رَجُلٌ مِنْ قَوْمِهِ فَاجْتَوَوْا الْمَدِينَةَ فَمَرَضَ فَجَزَعُ فَأَخَذَ مَسَاقِصَ لَهُ فَقَطَعَ بِهَا بَرَاجمَهُ فَشَخَبَتْ يَدَاهُ حَتَّى مَاتَ فَرَأَاهُ الطُّفَيْلُ بْنُ عَمْرٍو فِي مَنَامِهِ فَرَأَاهُ وَهَيْئَتُهُ حَسَنَةً وَرَأَاهُ مُعْطِيًا يَدَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا صَنَعَ بِكَ رَبُّكَ فَقَالَ غَفَرَ لِي بِهَجْرَتِي إِلَى نَبِيِّهِ -صلی الله علیه و سلم- فَقَالَ مَا لِي أَرَاكَ مُعْطِيًا يَدَيْكَ قَالَ قِيلَ لِي لَنْ نُصْلِحَ مِنْكَ مَا أَفْسَدْتَ. فَقَضَاهَا الطُّفَيْلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلی الله علیه و سلم-. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلی الله علیه و سلم- «اللَّهُمَّ وَلَيْدِيهِ فَاعْفِرْ». صحیح مسلم (۷۶/۱)

ترجمه:- از حضرت جابر -رضی الله عنه- روایت است که حضرت طفیل بن عمرو دوسی -که از بزرگان یمن بود- نزد پیامبر علیه السلام آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا تو نیازمند حصن و قلعه ای مستحکم نیستی که دشمنان از تو دور شوند؟ (مقصودش قلعه ای بود که در جاهلیت برای قبیله دوس در یمن بود). پیامبر علیه السلام فرمود: نه! من به قلعه نیازی ندارم (زیرا پنهان شدن پشت قلعه کار ترسویمان است). و خداوند هجرت را برای انصار ذخیره کرده بود.

وقتی پیامبر علیه السلام به مدینه هجرت فرمود، حضرت طفیل دوسی نیز با یکی از مردان قومش به مدینه هجرت کرد. آن مرد مدینه را ناخوش یافت و بیمار شد، و چون صبر نکرد، باتیغی (مشقص) رگ های بند انگشتان خود را قطع کرد، پس دستانش خونریزی کرد تا آنکه مرد.

حضرت طفیل دوسی او را در خواب دید در حالی که چهره اش نیکو بود ولی دستانش پوشیده بود. از او پرسید: پروردگارت با تو چه کرد؟ گفت: مرا به سبب هجرت به سوی پیامبرش بخشید. گفت: چرا دستانت را پوشیده می بینم؟ گفت: به من گفته شد: ما آنچه را که خودت فاسد کردی، اصلاح نمی کنیم.

حضرت طفیل این خواب را برای رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- بازگو کرد. پیامبر علیه السلام دعا فرمود و گفت: ای خدا! او را به سبب دستانش نیز بیامرزد.

تمام فقها و علما بر این متفق اند که خودکشی گناهی بسیار بزرگ است؛ حتی از کشتن دیگری نیز گناهش بزرگ تر است، زیرا چنین شخصی فاسق است و بر نفس خود ظلم و طغیان کرده است.

و برخی علما گفته اند: کسی که خودکشی می کند، برای زجر و تنبیه، نباید غسل داده شود و نباید نماز جنازه بر او خوانده شود؛ هرچند در مذهب حنفی فتوی بر این قول نیست.

امام ابویوسف رحمه الله میگوید: (أنه ظالم بالقتل فيلحق بالباغي) شرح فتح القدير (۱۵/۲)

ترجمه: خودکشی کننده با کشتن خویش، بر خود ظلم روا داشته است؛ پس در حکم باغی (یاغی و شورشی) به شمار می رود.
امام سرخسی رحمه الله لیکلی دی: (وما أشار إليه في الكتاب في حق الذي أخطأ دليل على أنه إذا تعمد ذلك لا يصلى عليه)
السير الكبير (۱۰۲/۱)

ترجمه:- و آنچه که در کتاب به آن اشاره شده در حق کسی که به خطا خویش را کشته است، دلیل بر این است که اگر کسی عمداً اقدام به خودکشی کند، نماز بر او خوانده نمی شود.

روح بزرگ ترین نعمت خداوند متعال و امانت بزرگی نزد انسان است.

خداوند متعال می فرماید: {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي} (الإسراء : ۸۵)

ترجمه:- و کفار از تو در باره روح می پرسند بگو روح از امر پروردگار من است.

بناءً انسان مکلف است که این امانت الهی را به خوبی حفظ نماید و بر آن تعدی و ظلم روا ندارد.

در اسلام حفاظت و نگهداری از نفس بر انسان واجب است.

بر انسان واجب است که برای بقا و زنده ماندن خویش تلاش کند و کوشش نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه تاریخی حجة الوداع فرمودند: «إن دماءكم وأموالكم وأعراضكم حرام عليكم كحرمة يومكم هذا، في شهركم هذا، في بلدكم هذا». متفق علیه

ترجمه:- به راستی که خون های شما، اموال شما، و آبرو و ناموس شما بر یکدیگر حرام است، مانند حرمت امروز شما (روز عرفه/عید قربان) در این ماه (ذوالحجه) و در این شهر (مکه مکرمه) است.

دكتور محمد زحيلي در اين باره چنين مي نويسد: (زندگي در ظاهر حق انسان است؛ ولي در حقيقت حيات و زندگي عطيه‌اي از جانب خداوند متعال است، و انسان در پيدايش آن هيچ نقشي ندارد. بر همين اساس در اسلام هرگونه تعدی و تجاوز بر حيات و زندگي جرم بزرگي است و گناهي نابخشودني به شمار مي رود). حقوق الانسان في الاسلام، ص: (۱۴۴)

رحمني و رحمكم الله والله ارحم الراحمين

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته